

پیشنهاد تأسیس انجمن مشترک برای حفظ و احیاء و گسترش زبان فارسی

در نظر کسانی که با تاریخ و علل پیشرفت و توقف و انحطاط کشورها در دوره‌های مختلف آشنایی دارند، شاید این ادعا که: فرهنگ کهن ایرانی و زبان پرمایه فارسی از موجبات اولی حفظ و استقلال این کشور باستانی در برابر حوادث و مهاجمات گوناگون بوده است، چندان مبالغه و گزاف نیست.

اگر نیاکان هوشمند و میهن‌دوست ما پس از اینکه از روی میل و اراده دین کامل و جهانی اسلام را پذیرفتند، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، از زبان مادری و فرهنگ اصیل خود اعراض می‌کردند، بی‌تین اکنون زبان و ادبیات و آداب بنام ایرانی و فارسی در دنیا وجود نداشت و استقلال و ملیتی نظیر استقلال و ملیتی که در قرون متمادی برای ما وجود داشته و هنوز هم بیاری خدای بزرگ وجود دارد و وجود خواهد داشت باقی نمی‌ماند.

زبان شیرین پارسی و فرهنگ پرمایه ایرانی پس از آنکه ایرانیان بدین اسلام گرویدند نه تنها موجب حفظ ملیت و آئین و رسوم پسندیده ایرانی و استقلال این کشور باستانی گردید بلکه موجب گسترش تمدن و آداب ایرانی در بسیاری از کشورهای هم‌نژاد و بیگانه شد. در حقیقت زبان و فرهنگ ایرانی هم بزرگترین مایه وحدت و بنیان‌گذار استقلال و موجب همبستگی میان مردم کشورهای ناور شاهنشاهی ایران در قرون متمادی بوده است و هم سبب نفوذ و رسوخ تمدن و آئین ایرانی در کشورهای دیگر.

از زمان خلافت عباسیان که پایه آن بدست ابومسلم خراسانی گذارده شده بود و پس از آن خاندان دانش‌پرور و جوانمرد برمکیان کارهای اداری و سازمان وسیع ممالک اسلامی را بهترین وجهی منظم کردند و دانشمندان و سخنوران ایرانی مانند سیبویه شیرازی و ثمالبی نیشابوری و عبدالقاهر جرجانی برای زبان عربی قواعد صرف و نحو نوشتند و کتب فرهنگ و معانی بیان و فقه اللغة تدوین کردند و خلاصه آنکه ایرانیان پاک‌اعتقاد و هوشمند در همه علوم عقلی و نقلی چشم و چراغ جهان اسلامی شدند، کم‌کم، زبان و فرهنگ ایرانی در

کشورهای عربی و جهان اسلامی رو بگسترش گذارد و لغات فارسی در شعر و نثر عربی وارد و عادات و آداب پسندیده ایرانی داخل آداب و آئین اسلامی شد .
 هم‌چنین از دوران محمود غزنوی زبان و فرهنگ ایرانی بکشور عظیم هندوستان و کشورهای هندو پنجاب که مردم آنجا از جهت نژاد و زبان با ایرانیان نزدیک بودند ، راه یافت و بتدریج چنان پیشرفت کرد و گسترش یافت که در زمان پادشاهان ادب پرور و فرهنگ دوست گورکانی در قرون ۹ و ۱۰ و ۱۱ هجری هندوستان یکی از مرکزهای بزرگ زبان فارسی و شعر دری گردید ، چنانکه بسیاری از شعرا و نویسندگان و دانشمندان ایران در آن دوران ساخت ایران را برای خود تنگ میدیدند و برای نشان دادن آثار فکری خود از نظم و نثر و از علوم و آداب و هنر بسرزمین پهناور هندوستان سفر میکردند و در آنجا آثار گرانبهای خود را بزبان فارسی منتشر میساختند و مورد حمایت و تشویش دربار فرهنگ دوست و ادب پرور تیموریان و رجال و بزرگان فارسی دوست آنجا میشدند .

مهاجرت شعرا و فضیای ایران در آن عصر بهندوستان چنان رواج داشت که موضوع شعر گویندگان فارسی گردید . همین امر بخوبی گسترش و نفوذ زبان فارسی را در آن کشور نشان میدهد .

صائب تبریزی این معنی را چنین بیان کرده است :

همچون سفر هند که در هر سر هست رقص سو دای تو در هیچ سری نیست

ابوطالب کلیم درین باره گفته است :

توان بهشت دوم گفتنش بدین معنی که هر که رفت ازین بوستان پشیمان شد

بگفته ادوار دراون در دربار اکبر شاه ۵۹ تن از اشعاران در صنف اول قرار داشتند که عرفی شیرازی یکی از آنان بود .

در نتیجه نفوذ فرهنگ و زبان فارسی در میان مردم کشور هندوستان و پیوستگی ادبی دو کشور ایران و هند در مدت چندین قرن ، سبک خصوصی در شعر فارسی پیدا شد که بنام «سبک هندی» مشهور است .

شعرای بسیاری از مردم هندوستان و ایران باین سبک شعر گفته اند که از میان آنان چند تن جزو شعرای بنام هستند . (بیدل هندی - فیض دکنی - صائب تبریزی - کلیم کاشانی - عرفی شیرازی و عده بی دیگر) .

این نفوذ و گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تنها در قسمت مشرق و هندوستان نبود بلکه در تمام ترکستان و ماوراءالنهر و قسمتی از چین و ختا و سند و پنجاب وجود داشت ، هم‌چنین در کشور پهناور عثمانی در دوران طولانی خلافت عثمانی گویندگان و نویسندگان و سرایندگان بزبان فارسی دری بسیار بودند و زبان علمی و ادبی در کشورهای نامبرده زبان فارسی بود . نامه رسمی چند تن از خلفای عثمانی که با پادشاهان صفوی رد و بدل شده است بزبان فارسی است . در کشورهای همسایه عرب زبان نیز زبان و آداب ایرانی نفوذ بسیار پیدا کرد . نمونه‌یی از

آنها هنوز هم بصورت کتیبه‌های فارسی در آثار و ابنیه مقدس تاریخی در کشور های عربی و بصورت کلمات عربی شده (معرب) در نظم و نثر عربی و در بسیاری از عادات و آداب که رنگ دینی و ملی بخود گرفته و ریشه آن ایرانی است دیده میشود .

متأسفانه در قرون اخیر بواسطه ضعف و انحطاطی که در کشورهای مشرق پیدا شد ، دستهای بیگانه درصد دست اندازی باین کشورها برآمدند و کوشش کردند که میان مردم این کشورها تفرقه اندازند ، از عوامل مؤثر در تضعیف و جدایی بین آنان این بود که موجبات پیوند و وحدت میان افراد این کشورها را که زبان فارسی و فرهنگ مشترک بود از میان ببرند و همین کار راهم کردند چنانکه در میان مردم هندوستان و پاکستان و برخی از کشورهای دیگر مشرق که ازجان و دل دوستدار زبان و شعر و ادب فارسی هستند فروغ این زبان کم کم رو ب خاموشی و آثار آن رو ب فراموشی گذارد و زبانهای بیگانه در آن کشورها جانشین زبان فارسی شد . اینک نیز که دو کشور دوست و همسایه ما بر اثر کوشش و تدبیر و فداکاری پیشوایان خود خوشبختانه بدریافت استقلال و آزادی نایل آمده اند و دانشمندان و میهن دوستان آن دو کشور در اندیشه زنده کردن فرهنگ ملی و رسمی کردن زبانی آریائی هستند برخی از کشورهای بیگانه دیگر با نواع و اقسام حمله ها و تبلیغات کوشش میکنند که بجای زبان پرمایه و سابقه دار فارسی زبان بیگانه بی در آنجا زبان رسمی شود ؛ در صورتیکه زبان فارسی سالهای دراز زبان علمی و ادبی در بار و زبان شعر و ادب در هندوستان و پاکستان بوده است و هنوز اشعار شیوای فردوسی و سنائی و مولوی و سمدی و حافظ و صائب و بیدل و اقبال و دیگر شعرا ی فارسی زبان ایرانی و هندی در سینه بسیاری از مردم آنجا جای دارد و نقل و جماع ذوقی و ادبی میباشد هنوز در گوشه و کنار کشورهای پاکستان و هندوستان بسیاری از مردم بفارسی روان سخن میگویند و در مجالس تصوف و عرفان گویندگان و خوانندگان با سرودن غزلها و ترانه های فارسی ، مستمعان را بوجد و شوق می آورند و بزمن خود را دارای شور و طرب میکنند .

بگفته دانشمند ارجمند آقای سر تیمپ رزم آرا ، هنگامی که در یکی از شهرهای هندوستان درباره قلمبه نمای مخصوص کوران که خود ایشان اختراع کرده اند سخنرانی میکردند و توضیح میداده اند که چگونه کوران را سودمند است و رفع نیاز میکند ، یکی از حاضران مجلس این جمله بسیار شیوا و محکم فارسی را ادا کرده است : « بینایان را نیز در شب دید جور » . این مثال و هزاران نمونه نظیر آن بهترین شاهد و دلیل است بر اینکه زبان فارسی همچون زبان مادری در هندوستان رواج داشته و هنوز نیز کم و بیش آثار نفوذ آن دیده میشود .

در کشورهای دیگر نیز که زبان فارسی قرنها زبان رسمی بود و بلکه زبان فارسی امروز از آن کشورها سرچشمه گرفته است امروز بهمان علت یاد شده ، این زبان پرمایه استحکام و اصالت و شیوایی و رسائی خود را از دست داده و مورد بی مهری و بی توجهی قرار گرفته است ، به علاوه بر اثر نبودن یا کم بودن پیوستگی و روابط ادبی و علمی میان کشور های فارسی زبان در قرون اخیر ، گذشته از اینکه زبان فارسی در آن کشورها نسبت بسایر زبانها در درجه

دوم و سوم قرار گرفته است ، تغییرات و تحریفات زیادی نیز در آن پیدا شده که زبان فارسی آن کشورها با زبان فارسی فصیح گذشته و زبان فارسی ادبی و محاوره‌ی امروز ایران که در حقیقت زبان فارسی مادر است اختلاف بسیاری وجود دارد چنانکه بسیاری از اصطلاحات علمی و ادبی و کلمات و جملات متداول در محاورات و مطبوعات ما بر مردم آن کشورها نامعلوم و گفتار و نوشته‌های آنان بر ما مجهول است .

نویسنده در سال ۱۳۳۸ ، مدتی در کابل پایتخت افغانستان کشور همکیش و همسایه و برادر ایران بعنوان رایزن فرهنگی اقامت داشتم . در همان مدت کوتاه چند نکته بخوبی بر من روشن گردید ، یکی آنکه همه فضلا و سخنوران و نویسندگان آنجا مانند برادران ایرانی خود علاقه و عشق سرشاری بزبان و شعر و ادب فارسی دارند و هنوز در آنجا نمونه‌هایی از شعر دوستان در گوشه و کنار دیده میشوند که غالب مقاصد خود و پاسخ دیگران را بشمر بیان میکنند در حقیقت حافظه آنان گنجینه‌ی بی‌است از دواوین شعرای فارسی زبان . دیگر آنکه از مطالعه روزنامه‌ها و شنیدن محاورات روزانه در آنجا ، متوجه شدم که اختلاف و فرقه‌هایی میان فارسی امروز آنجا با زبان فردوسی و فرخی و سنائی و دیگر شعرا و نویسندگان گذشته هم چنین میان فارسی افغانستان و فارسی ایران وجود دارد خاصه از زمانی که تمدن و فرهنگ غرب و اصطلاحات جدید مربوط بعلوم و صنایع و هنر و آداب مغرب زمین در کشورهای شرقی گسترش یافته ، این جدایی و اختلاف پیشتر شده است .

این مشاهدات با سوابق ذهنی از دوران درخشان زبان فارسی و فرمانروایی آن در کشورهای شرقی و برخی از کشورهای دیگر در زمان گذشته و تأثیری که از وضع ضعف و انحطاط آن در قرون اخیر بر ایم پیدا شده بود برابر آن داشت که برای تجدید عظمت و توسعه از دست رفته زبان فارسی طرحی تهیه و بمقامات مربوط پیشنهاد کنم تا در نتیجه عملی شدن آن پیشنهاد جنبشی ادبی و فرهنگی برای احیاء این زبان پر مایه که مایه پیوستگی و وحدت میان مردم آریایی فارسی زبان بوده است ، پیدا شود و گرنه اگر حال بدین منوال باشد ، طولی نخواهد کشید که برادران چندین هزار ساله در نتیجه از میان رفتن علت بهم پیوستگی و تفاهم آنان که زبان فارسی است ، نسبت بهم بیگانه شوند و زبان یکدیگر را نفهمند و زبان جبران ناپذیری بهم مردم این کشورها روی آورد چنانکه آیندگان بر گذشتگان ازین غفلت و تسامح نفرین کنند .

امروز نزد علمای علم اجتماع و روانشناسان این موضوع کاملاً روشن شده است که همزبانی در میان افراد چند کشور موجب آن میشود که طرز فکر و داوری آنان شبیه و نزدیک بهم شود . از روی آمارهای درست و مستند این نتیجه بدست آمده است که اندیشه و فرهنگ ملی که دارای زبان مشترک هستند بهم نزدیکتر است از ملتهایی که دارای يك زبان نیستند . همین انگیزه کشورهای بزرگ و جهانگیر امروز را برانگیخته است که مبلغ گزافی در راه اشاعه زبان و فرهنگ خود در کشورهای دیگر صرف کنند .

در مقابل ما باید با کمال تأسف باین حقیقت تلخ اذهان کنیم که در قرون اخیر بر اثر

سیاست و نفوذ بیگانگان و سستی و بی‌تدبیری و خواب‌غفلت زمامداران وقت، قریب دو بیست میلیون از سخنگویان زبان فارسی و عاشقان شعر و ادب و فرهنگ ایرانی را از دست داده‌ایم، همان زبان و فرهنگی که بی‌هیچ‌گونه تبلیغ و هزینه‌ی بی‌جای خود را بطور طبیعی در کشور بزرگ هندوستان و بسیاری از ممالک دیگر باز کرده و سالیان دراز در آنجا ریشه دو اندیده بود.

بطور قطع اگر باز هم درین مسأله مهم بی‌اعتنائی و مسامحه کنیم تا چند سال دیگر عده دیگری از سخنگویان زبان فارسی را از دست خواهیم داد، در صورتیکه اگر از روی طرح و نقشه صحیحی از هم‌اکنون وارد کار شویم شاید در مدت کمی بتوانیم این زبان و فرهنگ را در جاهایی که مردم آنجا بطوع و رغبت دوستدار آن هستند و سالیان دراز مانند زبان مادری و فرهنگ ملی با آن رفتار می‌کرده‌اند، و اکنون بملل و جهات غیر طبیعی مورد فراموشی و بی‌مهری قرار گرفته است دوباره بجای خود بازگردانیم و آب از جوی رفته را بجوی بازآوریم و دوستداران و علاقه‌مندان بزبان و فرهنگ فارسی را در داخل و خارج که هنوز عددشان بسیار است سپاسگزار و خشنود سازیم. برای تجدید نفوذ و گسترش زبان فارسی در کشورهای علاقه‌مند بآن ما بهمت و اراده و تدبیر بیشتر نیازمندیم تا بوسایل مادی و تبلیغاتی معمول امروز زیرا زبان فارسی و فرهنگ ایرانی برای آن کشورها چون زبان مادری و ملی است نه زبان و فرهنگ بیگانه.

در آن هنگام که نویسنده پیشنهاد خود را برای مقامات فرهنگی و دانشگاهی فرستادم جهات و عللی مانع عملی شدن طرح پیشنهادی شد ولی اکنون که خوشبختانه روابط و علائق کشورهای فارسی زبان و علاقه‌مند به حفظ و گسترش این زبان در نهایت خوبی و استواری است و بر اثر توجه و عنایات خاص شاهنشاه ایران بزبان فارسی و فرهنگ و سنن ایرانی و گسترش تعلیم و تربیت در همه طبقات از راه ابتکار بی‌سابقه و خردمندان شاهانه که شایسته پیروی در همه کشورهای جهان است، زمینه از هر جهت مساعد برای تجدید شالوده‌ی بی‌که قبلاً پیشنهاد شده بود میباشد. ازین جهت به پیشنهاد دوست دانشمند آقای وحید نیا مدیر محترم مجله ادبی وحید بنگارش این طرح مبادرت کردم.

اینک شالوده طرح پیشنهادی:

برای اینکه زبان پر مایه فارسی مقام از دست رفته خود را بازیابد و مانند گذشته میان کشورهای فارسی زبان و فارسی‌دان که سوابق درخشانی در زبان فارسی و آثار گرانبهای علمی و ادبی، نشرو نظم باین زبان دارند، مایه وحدت و پیوستگی و دوستی و برادری و تفاهم گردد و به منظور حفظ و گسترش این زبان و یکسان کردن اصطلاحات علمی و ادبی و مکالمات و محاورات عمومی و روزانه، دانجمن مشترک زبان فارسی، تأسیس شود.

اعضای اصلی و پیوسته انجمن، کشورهای: ایران - افغانستان، پاکستان و هندوستان خواهد بود. از کشورهای دیگری که در گذشته یا حال زبان فارسی در آنجا ریشه داشته و یا زبان اصلی آنان با این زبان اختلاط و ارتباطی یافته است بعنوان عضو وابسته دعوت بعمل آید.

کسانی که بکشورهای عربی همسایه مسافرت کرده‌اند یا بتاریخ زبان و ادبیات عرب آشنایی دارند بخوبی این حقیقت را دریافته‌اند که زبان و فرهنگ ایرانی نفوذ عمیق و دامنه‌داری در زبان و فرهنگ عربی بعد از اسلام پیدا کرده است، و محققان و متفکران در زبان و ادب عرب ناگزیر از دانستن زبان فارسی و فرهنگ ایرانی هستند. و خودشان باین حقیقت اعتراف دارند که اکنون در اغلب دانشگاه‌های کشورهای عربی، کرسی برای تدریس زبان فارسی وجود دارد و علاقه‌مندان بزبان فارسی در میان دانشمندان عرب زیاد هستند و کلمات و لغاتی که ریشه آنها فارسی است در محاورات روزانه و نوشته‌های ادبی عربی زیاد دیده میشود ۱۰

انجمن مشترك مركز ثابت نخواهد داشت بلکه بتناوب گاهی در تهران، زمانی در کابل، و وقت دیگری در لاهور و موقعی در دهلی بکار خود ادامه خواهد داد. شعب انجمن در استانها و شهرستانهای کشورهای اصلی تشکیل خواهد شد.

این انجمن فقط جنبه فرهنگی و ادبی خواهد داشت ولی با همین هدف بیقین یکی از وسایل مهم تحکیم روابط و علائق معنوی میان کشورهای عضو انجمن خواهد شد. نظیر چنین مجمعی در کشورهای دیگر که دارای زبان مشترك و ملیتهای گوناگون هستند وجود دارد هر چند در مسائل سیاسی احياناً با یکدیگر اختلاف داشته باشند.

برای پایه گذاری و تأسیس انجمن بفرمان همایونی از طرف کشور شاهنشاهی ایران که مركز ممالك فارسی زبان و حافظ این میراث گرانبهاست بوسیله سازمان فرهنگی دربار از رجال علمی و ادبی کشورهای دیگر و ایران که درین باره علاقه و اطلاع کافی دارند دعوت بعمل خواهد آمد. پس از حضور دعوت شدگان نسبت به چگونگی تشکیل انجمن و تمیین جلسات و برنامه و دستور کار و اعضای پیوسته و وابسته شور و بحث لازم خواهد شد و بعد از نوشتن اساسنامه و آئین نامه انجمن مرکزی و شعب آن هر چه زودتر کار سودمند و مشترك خود را آغاز خواهند کرد.

امید است این پیشنهاد که فقط از روی علاقه و عشق بزبان پرمایه فارسی و فرهنگ ایرانی و در نتیجه مطالعات و مشاهدات بسیار تهیه شده و بفتح کشور و موجب حفظ و گسترش این زبان و فرهنگ است مورد توجه و عنایت قرار گیرد و بیدرنگ مقدمات و موجبات تشکیل این انجمن فراهم گردد.

۱ - برای اطلاع بیشتر درین مورد و اینکه اخیراً جنبشی در میان نویسندگان و محققان عرب درباره زبان و ادبیات فارسی پیدا شده است رجوع شود بشماره های ۳ و ۴ مجله الدراسات الادبیه سال ۱۳۴۴ - چاپ دانشگاه لبنان